



۲۶ فبروری ۲۰۱۴

حمید انوری



شاخه گلی برای سربازان میهن

بیست و یک جسد خونین بر خاک افتاد و بیست و یک سرباز میهن تا آخرین رمق حیات و آخرین قطره خون خویش رزمیدند و چون کوه بر سنگر های خویش استوار ایستادند و ایستاده مردند، اما تسلیم دشمن دون نشدند.

بیست یک پیکر غرقه درخون را به کابل آوردند و...

و اما مسؤولین امور چه گفتند و چها کردند؟!

یکی گفت: " عساکر را در خواب غافل گیر کردند."

دیگری گفت: " سه محافظ پوسته امنیتی خیانت کردند."

و آن دیگری گفت: " سربازان دو ساعت مقاومت کردند و همه جان باختند."

...

و این افسانه نام و ننگ هنوز سر دراز دارد.

و اما آنچه مسلم است، این است که صد ها طالب (فرقی ندارد که افغان یا خارجی و یا هردو) مجهز با سلاح های خفیف و صقیل براین (پوسته امنیتی) در یک گوشه دوردست و خلوت

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

کوهستانی در ولسوالی غازی آباد ولایت کنر، موسوم به پوسته امنیتی شرغش در دره سنوک در ولسوالی غازی آباد ولایت کنر، هم سرحد با پاکستان و محل عبور و مرور دایم طالبان مسلح، حمله کردند و تمامی سربازان افغان مستقر در آن سنگر را نیست و نابود کردند و راه خویش گرفتند و رفتند.

والی در خواب ناز فرو رفته بود و خواب وزارت می دید. مسؤولین امنیتی ولایت و ولسوالی به کدام کار دیگر مشغول بودند. استخبارات و امنیت ملی هم شاید مشغول تأمین امنیت نامزدان ریاست جمهوری و معاونین شان بودند و این سربازان را گوشت دم توپ گفته به خدا سپردند. وزیر دفاع و داخله هم مشغول چانه زنی با خارجی ها و دید و بازدید ها و داد و گرفت ها با کاندیدان بودند و...

و سرقوماندان اعلی اردوی ملی هم اکیداً دستور فرموده بودند که نیروهای اردوی ملی به هیچ وجه اجازه ندارند تا از نیروهای هوایی امریکا، ناتو و ایساف درخواست کمک و حمایت هوایی نمایند.

و این گونه بود که سربازان را به دهن گرگ های وحشی رها کردند. درود بر هر یک این سربازان و سر به داران میهن که از وطن و شرف و ناموس خویش و از غیرت افغانی خویش تا آخرین قطره خون خویش دفاع کردند و سر دادند و سنگر ندادند.

جاه دارد که در مرکز ولایت کنر، یک آبدۀ یادگار برپا کنند و نام نامی هر سرباز شهید را بر روی آن حک کنند و تاریخ مقاومت و جانبازی شانرا در هر سنگ و خشت آن بنویسند.

چندی قبل شاهد بودیم که جنازه مولوی عبدالرقيب تخاری طالب را که در شهر پشاور به قتل رسید، با سرو صدای زیاد توسط دو هلی کوپتر دولتی به تخار انتقال داده و مقامات دولتی رژیم کنونی در مراسم خاکسپاری او شرکت کردند و سرقومندانان اعلی اردوی ملی کشور به او لقب شهید راه صلح را ارزانی داشت و دوسه رسوای دیگر هم قفله سردادند که کشته شدن این طالب یک ضایعۀ بزرگ بوده است و ... ،

<http://www.youtube.com/watch?v=SYLVsJg۱^KQ>

ما مردم بالآخره دانسته نشدیم که سربازان اردوی ملی شهیدان راه صلح اند و یا جنایتکاران طالب؟

سرقومندان اعلی اردوی ملی کشور در حالیکه خوب میدانند اردوی ملی کشور هنوز از نیروی هوایی قابل اطمینان برخوردار نیست و هنوز دارای پیلوتان ورزیده جنگی نیست و یا هم اگر هست، تعداد شان بسیار اندک و معدود است، با سر سربازان کشور سخت نامردانه بازی میکند و سر های شانرا به کف دستان شان گذاشته و آنان را به صوب مرگ رهنمون میگردد.

واقعاً هم که: "سیر از دل گرسنه نمی آید و سوار از دل پیاده." اگر به اخبار، گزارشات، واقعات و رویداد های یکی دو سال پسین به دقت نظر اندازی کنیم، به این نتیجه منطقی میرسیم که رئیس دولت بصورت عام و تام یک طالب بود، یک طالب است و در خدمت طالبان قرار دارد و جوانان میهن را به کشتارگاه طلب میفرستد.

هر بارایکه رئیس جمهور به پاکستان میرود، با عذر وزاری و الحاح، از پاکستانی ها خواهش و تمنی میکند که قومندانان ورزیده طالبان را از زندان آزاد سازند.

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

هر بارایکه نماینده های شورای به اصطلاح عالی صلح و یا دیگر فرستادگان رئیس دولت به پاکستان میروند، با عذر و زاری از پاکستانی ها تقاضا میکنند که قومندانان ورزیده طالبان را که در جنایت و وحشت و ترور ید طولا دارند، از زندان آزاد سازند.

اما در مقابل هر بار طالب دست به کشتار مردم بی گناه و بی دفاع زده و سربازان اردوی ملی را به گلوله میندند و تأسیسات دولتی را به آتش کشیده و نابود میکنند.

این جنایتکاران تاریخ همین چند روز قبل بود که بر رستورانی در قلب شهر کابل حمله کردند و دست به یک کشتار وحشیانه زدند و بدون استثنی همه را از دم تیغ شقاوت خود کشیدند و بر هیچ جنبنده رحم نکردند و در مقابل این عمل وحشیانه و غیر انسانی و غیر افغانی شان رئیس دولت بیش از شصت نفر (۶۰) زندانی شانرا از زندان بگرام آزاد کرد.

رئیس دولت که یکه تازی را تمرین میکند، مردم افغانستان را گروگان گرفته و آنان را با پنبه حلال میکند و خون شان اندر جام کرده با برادران وحشی طالب خود سر می کشد و در خلوت آن کار دیگر میکند.

نیروهای ناتو و ایساف و نیز اردوی ملی و پولیس ملی، تروریستان طالب را در میدانهای جنگ و با سلاح و مهمات و واسکت های انتحاری دستگیر کرده روانه محکمه و زندان میکنند، اما کرزی آنانرا از دریچه بیرون کرده، برادران ناراضی خوانده و با یک مشت پول در جیب های شان دوباره به سنگرها میفرستد و به جمع انتحاری ها افزود می نماید و این ملت است که قربانی میدهد و این کرزی است که دربار میکند و شاهد کشتار هموطنانش با دستان جنایت گستر طالب است.

چند صد طالب جنایت پیشه را که با اسناد و شواهد و در میدان های جنگ و یا در هنگام ماین گذاری ها و یا هم با واسکت های انتحاری دستگیر شده و روانه زندان بگرام گردیده و به جنایت های خود اعتراف کرده اند، بی گناه قلمداد کرده و از زندان آزاد می سازد و آنها را در آغوش میکشد.

اما طالب در جواب ، حملات خود را گسترده تر و وحشیانه تر طرح ریزی نموده و مردم بی گناه و بی دفاع افغانستان را از دم تیغ شقاوت خود میکشد.

اکنون شاهد آن هستیم که در همین حمله اخیر در ولایت کنر، طالبان حملات خود را از گروه های پنج نفری و ده نفری، بصورت گروه های صد و دو صد نفری ارتقا داده اند و یقین کامل است که تعدادی از این طالبان وحشت و جنایت، از جمله همان برادران ناراضی کرزی بوده اند که به تازگی به دستور مستقیم کرزی از زندان آزاد شده اند.

این خودسری ها و یکه تازی های کرزی و این اقدامات ضد منافع ملی کشور، خود به منزله حلال کردن مردم با پنبه است و نام آنها گذاشته اند دیموکراسی.

اگر این دیموکراسی است، ارزانی کرزی و برادران راضی و ناراضی او باد که ما را گلو گیر است.

آنایکه به گونه های مختلف سنگ دفاع از کرزی را برسینه میزنند، کمی باید به خود آیند و از خواب غفلت بیدار گردند.

هر کس حق دارد از فرد مورد علاقه خود حمایت و دفاع کند و این حق مشروع هر انسان است، اما حمایت و دفاع از شخص یا اشخاص و یا گروه ها، تا جایی مشروع و قابل قبول است که در تقابل با منافع ملی قرار نگیرد.

د پانو شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

خانم ها و آقایانی که با نام های حقیقی و یا هم مستعار در دفاع از کرزی و امثال او قرار دارند، مانند اسپ گادی فقط مقابل خود را می بینند و از چهار طرف خود غافل اند و در حقیقت خود را فریب می دهند.

در کدام کتاب است که هرگاه سربازان و مدافعین کشور مورد حملات مسلحانه و سخت و وحشیانه دشمن مکار و زبون قرار بگیرند، حق درخواست کمک را ندارند و باید بمیرند. این دستور فقط از یک مغز بیمار تراوش میکند.

چه سود که بعد مرگ، اجساد غرقه درخون را گل پوش کنید!!!

و باز هم یک مغز مریض میتواند که هم سربازان مدافع وطن را شهیدان راه صلح خوانده و اجساد شانرا گل باران کند و هم دشمنان و قاتلان سربازان وطن را.

جاه دارد که در بدل شهادت قهرمانانه این سربازان شجاع کشور به دست دژخیمان بی آبرو، والی فرتوت و از کار افتاده و بی خاصیت کُنر (شجاع الملک جلاله) را که بگمان غالب همراه قافله و رفیق دزد است، از کار برکنار کرده و به لوی خارنوالی معرفی کنند و نیز قومندان امنیه ولایت را جهت تحقیق به کابل اظهار داشته و از کار برکنار کنند، اما این خواب است و خیال است و محال است و جنون و تا کرزی در رأس امور قرار دارد، فقط و فقط عسکر و محافظ و بی واسطه و بی وسیله را از کار اخراج میکنند و روانه زندان ها و این ناروا از نخستین روز ورود شخص ناشناخته بنام حامد کرزی به کابل آغاز گردیده و تا واپسین دقایق موجودیت او در رأس امور دوام خواهد داشت.

این مختصر غم نامه به آخر رسیده بود که خبر دیگری در مورد اجراء وزارت دفاع بنشر رسید و خبرگزاری وخت اطلاع داد:

" ...، شورای عالی وزارت دفاع ملی پس از استماع گزارش لوی درستیز قوماندان لوای دوم، قوماندان کندک سوم، قوماندان تولی چهارم کندک مربوطه، آمر اوپراسیون کندک سوم، مدیران کشف و آمرین ضد استخبارات قول اردو، لوای دوم، آمر کشف کندک دوم لوای دوم قول اردوی ۲۰۱ سیلاب منحصت مسوولین امور که در وظایف شان سهل انگاری و غفلت نموده اند از وظایف سبک دوش و جهت تحقیق به ارگان های مربوطه معرفی نمودند. این در حالیکه که یک منبع از ریاست عمومی امنیت ملی به رسانه ها گفته است که آنان سه هفته پیش در رابطه مکالمات سه سرباز اردوی ملی با طالبان به اردوی ملی افغانستان خبر داده بود.

آنها گفته اند که در این مکالمات در مورد طرح یک حمله بر نیروهای ارتش در جریان شب در کُنر صحبت شده بود.

این منبع گفته است که این اطلاعات را در اختیار قومندانان نظامی و مقامات ارشد دولتی از جمله والی کُنر گذاشته بودند اما ظاهراً این هشدارها نادیده گرفته شده است.

این هشدارها چرا نادیده گرفته شده است و چرا والی و قومندانان نظامی و مسوولین امنیتی، هشدارهای ریاست امنیت ملی را نادیده گرفته اند؟!

یا آنها با طالبان داد و معامله داشته اند، یا طالب بوده اند و یا هم احساس مسوولیت نمی کرده اند و یا هم اینکه به گزارش ها و هشدارهای وزارت امنیت، وقعی قائل نبوده و هیچگاه آنرا جدی نگرفته اند، حال هیچ تغییری در قضیه وارد نمی کند و مانند هر زمان دیگر و چون همیشه، از جریانات بعدی خبری منتشر نخواهد شد و مردم همچنان در بی خبری نگهداشته خواهند شد.

از جانب دیگر چرا والی ولایت را از کار سبکدوش نکرده و روانه محکمه و زندان نمی سازند؟!

والی ولایت در حالیکه سه هفته پیش از وقع واقعه مطلع بوده است، هیچ تلاشی در مورد اتخاذ تدابیر مؤثر و پیشگیرانه جهت دفاع از پوسته امنیتی مذکور انجام نداده است و این به ذات خود یک جرم و یک غفلت بزرگ و غیر قابل اغماض است و میتوان گفت در شهادت بیست و یک نفر از سربازان اردوی ملی شریک جنایت است و باید اشد مجازات شود تا درسی باشد برای دیگران.



د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ